امامت
در معرض توطئه

جعفر مرتضی عاملی

بسم الله الرحمن الرحیم

امامت در معرض توطئه

نویسنده:

جعفرمرتضی حسینی عاملی

ناشر چاپی:

آیة الله السید جعفر مرتضی العاملی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امامت در معرض توطئه

مشخصات کتاب

مولف:جعفر مرتضی عاملی

مقدمه

علاوه بر این دو رکن، شایستگی و اهلیّت برای امامت، که به معنای دارا بودن خصلت‌ها و ملکات رهبری که بتوانند خط را نگاه دارند و سلامت مسیر را تضمین کنند، می‌باشد. مانند دارا بودن «عصمت»، شجاعت و بخشندگی و... از شرائط تصدی این مقام است. به همین خاطر است که می‌بینیم ائمّه اطهار (علیهم السلام)، در هر مناسبتی، به نشان دادن این امور، به ویژه، به ارائه آن دو رکن مهم، اهتمام می‌ورزیده‌اند، و سختی‌ها و خطرات هر چند بزرگ که احیاناً به دنبال ابراز و اظهار آن امور، بر آنان وارد می‌شد، آنان را از بیان آن حقایق باز نمی‌داشت. شواهد بر اهتمام ائمّه (علیهم السّلام) بر این امر بی شمار است. ما در اینجا فقط اشاره می‌کنیم به اقدام امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه، صفّین، روز شورا و روز (جنگ) جمل، که از صحابه پیامبر (صلّی الله علیه و آله) در مورد حدیث غدیر، شهادت خواست و شمار بسیاری از آنان بدان گواهی دادند. همچنان که امام حسین علیه السلام در منا، صحابه را گرد آورد و فضائل پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام و به خصوص حدیث غدیر را و نیز بدکاری‌های معاویه را به ایشان یادآوری نمود. [۱] هدف از این اقدامات و اهتمامات، تثبیت امامت، و جلوگیری از نابودی و فراموشی نصوص و وقایعی که آن را ثابت می‌کند، بوده است. علاوه بر تمام اینها، ائمّه (علیهم السّلام) در سخنان بسیاری اظهار داشته‌اند که: علم مخصوصی را که پیامبر گرامی (صلّی الله علیه و آله و سلّم) به امر خدا، آنان را بدان تعلیم و اختصاص داده است، دارا هستند. مانند احادیثی که فرموده‌اند جفر و جامعه نزد ایشان است و احادیث دیگری که جوینده در منابع و مراجع روائی به صورت پراکنده می‌یابد.

آشکاری نص

هر چند که دشمنان اهلبیت علیهم السلام در انکار وجود نص بر امامت امیرالمؤمنین و ائمّه اطهار از فرزندان او، و یا در جهت تغییر و تأویل نصوص وارده در این باره به معانی و وجوهی دور از عقل و ذهن، تلاش و کوشش بنمایند، ولی طبع آدمی زیر بار نمی‌رود و ذوق سلیم آن را پس می‌زند. آنان نتوانسته و هرگز نمی‌توانند حدیثی را که نزد خودشان به تواتر نقل شده که پیامبر اکرم (صلّی الله علیه و آله) فرموده است که بعد از او دوازده تن جانشین او خواهند بود که همگی از قریش، یا از بنیهاشم می‌باشند... و در بسیاری از روایات نام‌های آنان یا اسامی بعضی از آنان، آمده است، انکار کنند.

حرم امام جواد

قندوزی حنفی گفته است: «یحیی بن حسن در کتاب «العمدهٔ» از بیست طریق روائی روایت کرده است که بعد از پیامبر صلّی الله علیه و آله دوازده نفر که همگی از قریش هستند، جانشین آن حضرت هستند. بخاری از سه طریق، مسلم از نه طریق، ابو داوود از سه طریق، ترمذی از یک طریق و حمیدی از سه طریق این روایت را آورده‌اند.» [۲] و علامه محقق، شیخ لطف الله صافی، در کتاب خود صدها حدیث، از طریق بسیار گرد آورده است که بر خلافت و امامت دوازده تن بعد از رسول خدا دلالت و تأکید دارند. [۳] . و بالأخره، سیوطی تصریح نموده است به این که: «بر صحّت عبارت «بعد از من دوازده خلیفه خواهد بود» اجماع شده است و این

عبارت از طرق متعددی روایت شده است.» [۴] .

برخی، مغرض... و برخی، منصف

برخی از عامّه، به هنگام تعیین و مشخص نمودن آن خلفا دوازدهگانه، همچون شبکور در شب تاریک و ظلمانی به این سوی و آن سوی زده‌اند. چنانچه سیوطی در «تاریخ الخلفا» گفته‌های قاضی عیاض و جز او را منعکس نموده ولی خود، به نتیجه و حاصلی قطعی نرسیده است و فقط توانسته هشت خلیفه را که به نظر خودش دارای ویژگی‌هایی بوده‌اند که بتوان آنها را از آن دوازده نفر شمرد، بر شمرده که عبارتند از: خلفاء اربعه، حسن بن علی (علیه السّلام)، معاویه، عبدالله بن زبیر و عمر بن عبدالعزیز. آنگاه گفته است: و احتمال می‌رود که مهتدی، از خلفاء عباسی، بدین جهت که در میان عباسیان همانند عمر بن عبدالعزیز در میان بنی امیه بوده، و نیز «الظّاهر» به خاطر این که عادل بوده است، بر آنان افزوده شود، باقی می‌ماند دو نفر که یکی از آن دو: مهدی است، زیرا مهدی از اهلبیت محمد (صلّی الله علیه و آله) می‌باشد.» [۵] . و ما نفهمیدیم وجه و سبب این پرش‌های بلند، از معاویه تا عمر بن عبدالعزیز... و تا مهدی!! چیست؟ و آیا عرف مردم، چنین معنی و تفسیری را از آنچنان نصوص و سخنان صریحی که پیامبر (صلّی الله علیه و آله) فرموده است، می‌پذیرند؟ یا این که بین این افرادی که نام برده شدند فاصله‌ای نمی‌بینند و آنها را متصل به یکدیگر می‌دانند؟! همانطوری که متون تاریخی تصریح کرده‌اند، مأمون بزرگترین و مهمترین خلیفه عباسی و داناترین، دوراندیش‌ترین، مکّارترین و دو روترین آنان بوده است. قاضی عیاض هم این حدیث متواتر را بر خلفاء اربعه و خلفاء بنیامیه که یزید لعنهٔ الله علیه نیز در شمار آنان است، منطبق ساخته!! و به این ترتیب تجاهل نموده و صریح بعضی روایات را که می گوید تمامی آن خلفا از بنیهاشم هستند، و صریح بعضی دیگر را که اسامی آنان علیهم السلام را ذکر کرده است، نادیده گرفته و در برابر صریح روایاتی دیگر که می گوید: «تمامی آن خلفا بر مبنای هدایت و دین حق رفتار می کنند.» [۶] و روایات دیگری که بیانگر ویژگی‌هایی است که مدعای او را تکذیب و رد می کند، خود را به نادانی زده است. ولی در مقابل، در میان آنان کسی را هم می‌بینیم که زبان به بیان حق گشوده، و به راستی سخن گفته و در راه خدا، از بدگویی بدگویان، نهراسیده است. قندوزی حنفی می گوید: «برخی از محققان گفته‌اند: احادیثی که دلالت دارند بر این که جانشینان بعد از رسول الله (صلّی الله علیه و آله و سلم) دوازده نفرند، از طرق بسیار نقل و مشهور گشته است. با گذشت زمان و دیدن و شناختن روزگار، یقین حاصل شده است به این که، مقصود و مراد پیامبر (صلّی الله علیه و آله) امامان دوازدهگانه از اهلبیت و عترت خودش می‌باشد. زیرا نمی‌توان این حدیث را بر خلفای بعد از او، از صحابه، منطبق ساخت، چرا آنان کمتر از دوازده نفر بودند. و نیز نمی‌توان آن را بر پادشاهان اموی منطبق ساخت، زیرا آنها از دوازده نفر بیشتر بودند، و غیر عمر بن عبدالعزیز، تمامی آنان بی پرده ستم روا می‌داشتند، و همچنین، از بنیهاشم نبودند، زیرا پیامبر (صلّی الله علیه و آله)، بنا بر روایت عبدالملک از جابر، فرمود: تمامی آنان از بنیهاشم هستند. و این که در این روایت آمده است که حضرتش این جمله را آهسته فرمود، [۷] این روایت را بر روایات دیگر ترجیح می‌دهد، زیرا خلافت بنیهاشم خوشایند آنان نبود. همچنین نمی توان این حدیث را بر پادشاهان عباسی منطبق نمود، زیرا اولاً ـ شمار آنان از دوازده نفر بیشتر بود و ثانیاً آنها به آیه: «قُلْ لا اَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ اَجْراً اِلاّـ الْمَوَدَّهْ فِی الْقُرْبی» [۸] . و به حدیث کساء، چندان توجه و عمل نمی کردند. پس ناچار این حدیث منطبق است بر امامان دوازدهگانه از اهلبیت و عترت آن حضرت (صلّی الله علیه و آله)، چرا که آنان در عصر خود، داناترین، بزرگوارترین، پرهیزکارترین مردم و دارای بهترین نسب و برترین حسب، و نزد خدا، گرامی‌ترین مردم، بودند و علوم آنان به جدّشان (صلّی الله علیه و آله) پیوستگی داشت، و از وراثت و تعلیم الهی، نشأت می گرفت، اهل علم و تحقیق و ارباب کشف و توفیق، ایشان را چنین شناخته‌اند. گواه و مؤیّد [۹] این مطلب که مراد و مقصود پیامبر (صلّی الله علیه و آله) ائمّه اثنا عشر از اهلبیت خود او است و چیزی که این معنی را ترجیح می‌دهد، عبارت است از: حدیث ثقلین، و احادیث بسیار دیگری که در این کتاب و جاهای دیگر، ذکر گردیده است. اما

این که در روایت جابر بن سَمُرَه آمده است که پیامبر (صلّی الله علیه و آله) اضافه فرموده: امّت بر تمامی آنان اجتماع و اتفاق می‌کنند، به معنای این است که به هنگام ظهور قائم آنان، مهدی، امت به امامت همه آنان اعتراف می‌کنند» [۱۰] – پایان سخنان قندوزی حنفی– در مورد فراز اخیر سخنان قندوزی، این معنی محتمل است که مراد پیامبر (صلّی الله علیه و آله و سلّم) این باشد که امت بر اقرار به فضل و علم و تقوای آن امامان علیهم السّلام متفّق می‌شوند. در این باره، آنچه آوردیم بس است، بررسی کامل در این زمینه به مجالی گسترده و نوشتاری مستقل، نیاز دارد.

امامت، در معرض سوء قصد

همانطور که می‌شود روایات و نصوص راجع به امامت ائمّه (صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین) را از طریق نقل قطعی از پیامبر گرامی، اثبات نمود، همچنین، در صورتی که دشمنان عناد و لجاج بورزند، و آن نصوص را انکار کنند و کوشش کنند در برابر سیلاب مهیب نصوص قطعّی الصّدور، بایستند [۱۱]، می‌توان از راه ارائه و اظهار گوشه‌ای از آن علومی که مختص به آن حضرات (علیهم السلام) می‌باشد، امامت را و خود آن روایات و نصوص را اثبات کرد و آن علوم را که جز از مصدر وحی و منبع رسالت سرچشمه دیگری نمی‌تواند داشته باشد، بسان شاهدی صادق بر صحّت آن نصوص و مدلول واقعی آنها، مدرک قرار داد.

شهادت امام جواد

و همین ویژگی، رمز و سبب اصرار و پافشاری حکّام و دیگر دشمنان، بر نابود ساختن امامت بود، نخست از راه تهی ساختن آن از محتوای فکری و علمی، و بعد از شکست این راه، از راه کوبیدن شخصیّت امام، با تزویر، شایعات دروغ، و اتّهام‌های ناروا. و با ناکامی این روش، روش تصفیه جسمانی، گاهی آشکارا، و گاه پنهانی، به عنوان برداشتن مرکز و کانون خطری که آنان را تهدید می‌کند. اباصلت چنین می‌گوید: «از شهرهای مختلف، متکلّمان را احضار می‌کرد، به این آرزو که یکی از آنان در مباحثه، امام را شکست دهد تا منزلت او نزد علما پایین بیاید و به وسیله آنان، نقصان امام در میان مردم منتشر و شایع گردد. ولی هیچ دشمنی، از یهود و نصاری و مجوس و صابئیان و براهمه و بی دینان و مادّیان، و نه هیچ دشمنی از فرقه‌های مسلمین با آن حضرت سخن نمی‌گفت مگر آن که با دلیل و برهان محکوم و ساکت می‌گشت.» شاید نزدیک‌ترین مثال و نمونه‌ای که می‌توانیم در اینجا بیاوریم و با موضوع بحث فعلی نیز رابطه نزدیک دارد، رفتار مأمون است نخست با امام رضا علیه السلام و سپس با امام جواد علیه السلام، که ناچار شد اوّل برای ولایتعهدی امام رضا علیه السلام بیعت بگیرد. [۱۲] و همچنین دخترش را به همسری امام جواد علیهالسلام در آورد، سپس برای درهم کوبیدن شخصیّت و موقعیّت امام روش ویژه و در نوع خود بینظیر [۱۳] را به کار بست، و پس از ناکامی در برابر این دو امام بزرگوار (صلوات الله و سلامه علیهما)، موضعی دیگر اتّخاذ کردند و روشی متفاوت به کار گرفتند.

امامت، مبارزه جویی و عدم سازش

زمانی که امامت، – فی نفسه – به دلیل این که نظام حاکم از راه قهر و غلبه، یا از راه تطمیع و تزویر زمام حکومت را که هیچ حقّی در آن ندارد، به دست گرفته است و مشروعیّت آن لااقل مشکوک است، مخالف نظام حاکم به شمار می‌رود، و حکومت را صریحاً محکوم می‌کند، به طوری که در مسأله بریدن دست دزد، زمانی که معتصم قول امام جواد علیه السلام را پذیرفت، و اقوال دیگر فقیهان را رها کرد، ابن ابی داوود راجع به او گفت: «... گفته تمام فقیهان را به خاطر قول مردی که نیمی از مردم به امامت او معتقدند و ادّعا می‌کنند او شایسته مقامی است که معتصم در اختیار گرفته، رها می‌کند و به حکم آن مرد حکم می‌کند، نه به حکم فقها.» معتصم با شنیدن سخنان ابن ابی داوود رنگ از چهره‌اش پرید و به گفته خود ابن ابی داوود از بیدار باش و هشدار من به

هوش آمد. روایت اضافه می‌کند که پس از چهار روز به امام زهر خورانید. [۱۴] . با چنین وصف و حالی، طبیعی است که دستگاه حاکم با دیده رضایت و پذیرش بر این خط عقیدتی خطرناک ننگرد. و یاران و پیروان این خط را به نشر افکارشان و تبلیغ اصول و معتقداتشان تحریک و تشویق ننماید. بلکه برعکس، حکومت خود را خیلی زود در جهت مقابله و پیکار با این خط فکری و پیروان و مبلّغان آن، با انواع وسائل و شیوه‌هایی که در اختیار و توان دارد و به نوعی می‌تواند از آنها در این مقابله استفاده کند، می‌یابد. و در مورد سمبل و مدار این خط فکری (یعنی امام)، تا زمانی که حکومت، به هر نحو ممکن، او را به طور قطعی و نهائی از میان برنداشته و از صفحه هستی محو نکرده، هرگز آرامش و قرار نخواهد یافت وقتی چنین باشد، به طور طبیعی نتیجه این می‌شود که: اگر احیاناً ببینیم میان نظام حاکم و صاحبان آن خط فکری و گروندگان و مبلّغان آن، تا حدّی سازش و همزیستی به وجود آمده است، خصوصاً اگر این همزیستی بین رهبری این خط فکری که مشروعیّت و بنیاد وجودی حکومت را به رسمیت نمی‌شناسد، با حکومت، مشاهده شود، چاره‌ای جز این نخواهیم داشت که یکی از دو طرف را صریحاً متهم کنیم. یا باید این طائفه و فرقه را آن هم در سطح رهبری، متهم کنیم به این که در این مقطع، از اصول و معتقدات خود نزول مهمی کرده و به اصطلاح کوتاه آمده است. البته این در صورتی است که نتوانیم پی ببریم به این که در نتیجه فشار شدید و تهدید صریح حکومت یا بر مبنای «تقیّه» به منظور حفظ اصل مکتب و به دست آوردن موقعیّت برای حمایت و دفع شرّ از آن، این فرقه، مجبور به همزیستی با حکومت شده است. و یا باید خود حکومت را متهم کنیم به این که به نیرنگی بزرگ دست زده و در صدد انجام توطئه‌ای وحشتناک، به منظور ضربه وارد کردن بر فکر و عقیده این فرقه یا حتّی از میان برداشتن آن از بیخ و بن است. ولی - همانطور که در کتاب زندگانی سیاسی امام رضا علیه السلام آمده - در بازی بیعت‌گیری برای امام رضا علیه السلام برای ولایتعهدی، و نیز در موضع‌گیری مأمون در مقابل امام جواد علیه السلام به خوبی و روشنی، اتهام نظام حاکم، عیان است و توطئه و تزویر حکومت، واضح.

مأمون توطئه گر زیرک

همانطوری که متون تاریخی تصریح کرده‌اند [۱۵] ، مأمون بزرگترین و مهمترین خلیفه عباسی و داناترین، دوراندیش‌ترین، مکّارترین و دو روترین آنان بوده است.

حرم امام جواد

همین مرد، معاصر امام جواد علیه السلام بود و امام بخش بزرگی از زندگانی خود را همزمان با او به سر برد. مأمون کسی است که کوشش‌های متعدّدی به منظور کسب پیروزی نهائی و قطعی بر اندیشه شیعه امامی، چه در زمان امامت امام رضا علیه السلام و چه در زمان امام جواد علیه السلام، به عمل آورد. او پس از آن که به اشتباه گذشتگانش در رفتار با ائمه اهلبیت علیهم السّلام پی برد، تلاش نمود که با آنان به روشی نو، و در نوع خود بی نظیر، که در پس آن نیرنگی سخت‌تر و توطئه‌ای بزرگ‌تر نهفته بود رفتار کند. از این رو مناسب است در اینجا به پاره‌ای از روایات تاریخ، که کوشش‌های مأمون را برای نابودی امامت شیعی نشان می‌دهد، و ما قسمتی از آن روایات تاریخی را در کتاب: «زندگانی سیاسی امام رضا علیهالسلام» آورده‌ایم بیاوریم. ما در آن کتاب آورده‌ایم که: مأمون به گردآوردن علما و اهل کلام خصوصاً از معتزله، که اهل محاجّه و جدل و موشکافی مسائل بودند، اهتمام می‌ورزید تا آنان امام رضا علیه السلام را محاصره کنند و در گفتگوها و مباحثاتشان، آن حضرت را در خصوص بزرگترین مدّعای خود و پدرانش که داشتن علم خاص به علوم و آثار پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله بود، شکست بدهند. هدف نهایی او این بود که با شکست یافتن امام رضا علیه السلام در مسأله امامت، مذهب تشیّع سقوط کند و برای همیشه ستاره شیعه و امامان شیعه خاموش گردد و به این ترتیب بزرگترین منبع و مصدر مشکلات و خطراتی که مأمون و دیگر حاکمان غاصب و ستمگر را تهدید می‌کند، از

میان برداشته شود. اینک پاره‌ای از شواهد تاریخ که نشان دهنده این نقشه مزورانه مأمون می‌باشند: ۱- صدوق می گوید: «مأمون از متکلّمان فرقه‌های مختلف، و پیروان هوا و هوس‌های گمراه کننده، هر که را که نامی از او شنیده بود، برای مباحثه با امام رضا علیه السلام احضار می کرد، به امید این که شاید امام در گفتگو با یکی از آنها محکوم شود.» [۱۶] . ۲- اباصلت چنین می گوید: «از شهرهای مختلف، متکلّمان را احضار می کرد، به این آرزو که یکی از آنان در مباحثه، امام را شکست دهد تا منزلت او نزد علما پایین بیاید و به وسیله آنان، نقصان امام در میان مردم منتشر و شایع گردد. ولی هیچ دشمنی، از یهود و نصاری و مجوس و صابئیان و براهمه و بی دینان و مادّیان، و نه هیچ دشمنی از فرقه‌های مسلمین با آن حضرت سخن نمی گفت مگر آن که با دلیل و برهان محکوم و ساکت می گشت.» تا این که می گوید: «چون این نیرنگ مأمون به نتیجه نرسید، به آن حضرت سوء قصد کرد و با خورانیدن سم او را بکشت.» [۱۷] . ۳- ابراهیم بن عباس گفته است: «از عباس شنیدم می گفت: «... مأمون با پرسش‌های مختلف درباره همه چیز، او را امتحان می کرد، و او به هر سؤال، جواب کافی و شافی می‌داد.» [۱۸] . ۴- هنگامی که حمید بن مهران از مأمون درخواست کرد که با امام رضا علیه السّلام مباحثه و مجادله کند تا از منزلت او بکاهد، مأمون به او گفت: «چیزی، از این که منزلت او کاسته شود، نزد من محبوب‌تر نیست.» [۱۹] . ۵- و به سلیمان مروزی گفت: «به خاطر شناختی که از قدرت علمی تو دارم، تو را به مباحثه با او (امام علیه السّلام) می‌فرستم، و هدفی ندارم جز این که فقط او را در یک مورد محکوم کنی.» [۲۰] . ۶- موقعی که امام اوصاف بچه‌ای را که کنیز مأمون بدو حامله بود فرمود، مأمون گفت: پیش خود گفتم، به خدا قسم این بهترین فرصت است، تا اگر آنچنان که او گفته نباشد، او را از ولایتعهدی خلع کنم، و همواره در انتظار وضع حمل آن کنیز بودم...» سپس روایت می گوید که آن بچّه، با همان اوصافی که امام فرموده بود متولّد گشت. [۲۱] . ۷- چنانچه در کتاب «زندگانی سیاسی امام رضا (علیه السلام) توضیح داده‌ایم؛ یکی از اهداف مأمون از تفویض ولایتعهدی به امام رضا علیه السلام، این بود که مردم ببینند که امام، زاهد نیست و به مقامات دنیوی علاقمند است!.

پاورقی

[۱] الغدیر، علامه امینی، ج ۱، ص ۲۱۳- ۱۵۹ / کتاب الحیاهٔ السیاسیهٔ للامام الحسن علیه السّلام، ص ۹۰ به بعد و نیز به سایر کتبی که مسأله امامت را آورده‌اند و کتب حدیثی که فضائل ائمّه علیهم السّلام و سخنان نبوی (صلّی اَللّٰه علیه و آله) مربوط به امامت را ذکر کرده‌اند و به کتب تاریخ و رجال و دیگر منابع، مراجعه شود.

[۲] ینابیع الموّدهٔ، ص ۴۴۴.

[۳] منتخب الاثر، از ص ۱۰ تا ص ۱۴۰/ اعلام الوری، ص ۳۸۶-۳۸۱.

[۴] تاریخ الخلفا، سیوطی، ص ۶۱.

[۵] تاریخ الخلفا، سیوطی، ص ۱۲.

[۶] همان منبع، ص ۱۲.

[۷] چنانچه این مطلب در بعضی از روایاتی که پیشتر گفتیم در «ینابیع المودهٔ» آمده است، نقل شده است.

[۸] «بگو، در برابر انجام رسالت، جز دوستی و محبت به نزدیکانم، از شما مزدی نمی‌خواهم» سوره شوری آیه ۲۳.

[۹] ظاهراً سخن محققّ مشارالیه تا اینجا است و از اینجا به بعد سخنان خود قندوزی حنفی است. [

[۱۰] ینابیع المودّهٔ – قندوزی حنفی، ص ۴۴۶.

[۱۱] شاهد بر این ایستادگی و لجاج، حوادث بسیاری است که دلالت می کند بر ممنوع ساختن ذکر فضائل امیرالمؤمنین علیه السّلام و انتساب آن فضائل به دیگران.

[۱۲] درباره این موضوع به کتاب «زندگانی سیاسی امام رضا» به همین قلم مراجعه کنید.

[۱۳] به زودی پاره‌ای از آنچه به امام جواد علیه السلام مربوط می‌شود، آورده می‌شود، ولی درباره آنچه که به امام رضا (علیه السلام) مربوط می‌شود، در کتاب «زندگانی سیاسی امام رضا علیه السلام» شرح داده‌ایم.

[۱۴] بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۷-۶. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۰-۳۱۹.

[۱۵] مراجعه کنید به کتاب: زندگانی سیاسی امام رضا (علیه السلام) فضل: مأمون کیست؟.

[۱۶] والحیاة السیاسیّة للامام الرّضا، ص ۳۷۸-۳۷۷.

[۱۷] عیون اخبار الرّضا، ج ۲، ص ۲۳۹/ مثیرالاحزان ص ۲۶۳، بحارالانوار ج ۴۹، ص ۲۹۰، مسند الامام الرضا، ج ۲، ص ۱۲۸، شرح میمیّه ابی فراس، ص ۲۰۴.

[۱۸] الفصول المهمّه - ابن صباغ مالکی، ص ۲۳۷/ اعلام الوری، ص ۳۱۴/ اعیان الشیعه، ج ۴، بخش ۲، ص ۱۰۷، مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۵۰ و الحیاة السیاسیّة للامام الرضا (ع)، ص ۳۷۷، به نقل از آن منابع.

[۱۹] به: «الحیاة السیاسیة للامام الرضا علیه السلام، ص ۳۷۸/ دلائل الامامة، طبری مراجعه شود.

[۲۰] عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۷۹/ بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۷۸/ مسندالامام الرّضا، ج ۱، ص ۹۷ و الحیاة السیاسیة للامام الرضا، ص ۳۷۸.

[۲۱] غیبة شیخ طوسی، ص ۴۹/ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۲۴/ بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۳۰۷/ و مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۳۳، به نقل از: الجلأ و الشفأ.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹